



دکتر محمود احمدی  
استادیار دانشگاه تربیت معلم یزد

آنچه مسلم است هر یک از پدیده‌های تاریخی، اقتصادی و سیاسی و... از خود چشم‌اندازی به جا می‌گذارند که آن هم چشم‌انداز جغرافیایی آنهاست. از حرکت سایه یک نهر آب و یک پشته ماسه‌ای گرفته تا هجوم یک قوم بیگانه، همه و همه در آینده پاک جغرافیا پیداست. آینده‌ای که تمامی جهان و افرات به جا مانده از هر حرکتی را به همان شکل موجود در خود نشان می‌دهد و شاید در تقدیر این علم گفته بانوت حموی در صدها سال پیش به این مضمون که "جغرافیا علم نورد پسند خداوند است" در اینجا مصداق کامل پیدا می‌کند زیرا که توجه دقیق به مسائل و چشم‌اندازهای جغرافیایی تنها راه جهت بهسازی محیط و بهزیستی انسانها می‌باشد. بنا بر عقیده ویدال دولابلان جغرافیدان توانای فرانسوی: "موقعیت هر ناحیه به تنهایی ناشی از آب و خاک و هوا نیست، استفاده صحیح از طبیعت و کاربرد آن به انسان مربوط است که به دلخواه از آن بهره می‌گیرد". ولی در بسیاری از موارد مطالعات جغرافیایی هر منطقه و درک مفاهیم آن بر چگونه بودن است نه چگونه باید بودن و این کمال تأسف است.

### اصلاحات ارضی و جغرافیا

اصلاحات ارضی نظام گذشته ایران در سال ۱۳۲۰ که تحت عنوان انقلاب سفید به عنوان عمده‌ترین اصل از اصول آن معرفی شد در بعضی از نکات آن در ظاهر آثار مثبت قابل رویت بوده است از جمله فروش املاک سلطنتی و خالصه و واگذاری زمین به بیش از ۸۰۰ هزار خانوار تا پایان مرحله دوم (۱۳۴۸). ولی مسائلی

که در آن مطرح می‌شود اهدافی است که در روند کاربرد هر یک از فصول مراحل این اصلاحات به کار گرفته شده و بالطبع آثار مفهومی از آن قبل از آن که اقتصادی یا تاریخی و سیاسی باشند جغرافیایی می‌باشد زیرا در جغرافیا همه آنها را یک جا در خود مستتر دارد. آنچه مسلم است جهت ارزیابی یک اصلاحات ارضی صحیح نیاز مشخصی وجود ندارد، بلکه آنها طبقاتی می‌باشند اصولاً مفهوم واقعی یک اصلاحات ارضی آن وقت است که جواب جز یک بیان معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد و هر نتیجه‌ای جز آن اصلاحات ارضی نیست و آن هم "تقسیم زمین بر مبنای عدالت اجتماعی بین کسانی است که حقی بر زمین داشته باشند و این حق به آنها داده شود (رعیت)".

مسلم است در این مسیر تنها مجری و منادی در درجه اول این صاحبان حق و در ثانی کار یک دولت انقلابی است در شروع و ادامه کار خود.

در طول تاریخ در اغلب نقاط جهان اجرای اصلاحات ارضی متأسفانه توسط دولت‌مردان به منزله پاشیدن آب سردی بوده‌است بر بدن خشمگین روستاییان جهت هر چه به تعویق انداختن انقلابات آنها. آنچه مسلم است این عمل در این زمان خاص با همکاری دولت و بسیاری طبقات اجتماعی دیگر که منافع همگرا و همسو دارند شروع و اجرا گردیده است. در اثبات این مدعا در آستانه ارائه اصلاحات ارضی ایران توسط نخست‌وزیر وقت (دکتر امینی) به مجلس شورای ملی آن روز که با مخالفت اکثر نمایندگان که عده قابل توجهی از آنها از طبقه ملاکین بودند با مخالفت‌های تند و بسیار شدید روبه‌رو گردید که ایشان با نسیب مطرح نمود: "آقایان، آقایان، چه خبر است؟ من هم از شما هستم و برای نجات شما اقدام کردم". ایشان ادامه می‌دهد که اگر انقلاباتی در طبقات پائین اجتماع و روستاییان شروع شود شما قادر نخواهید بود هزاران هکتار باغ و مزرعه و زمین را در ساکها و چمدانهای خود گذاشته و با خود ببرید لذا شروع کننده این مهم باید خود ما باشیم و با تفسیراتی این مسئله را حل کنیم. شاید ریشه اصلی پیدایش عدم تقسیم زمین به زارعین و با با بیان دیگر وجود مستثنیات در اصلاحات ارضی نظام گذشته ناشی از همین تفکر بوده باشد.

### مستثنیات اصلاحات ارضی

در فرهنگ لغت فارسی مستثنی یا مستثنا (به قسم مهم و فتح تا) یعنی استثنا شده، بیرون کرده شده و چیزی را از حکم عمومی خارج نمودن و در مفهوم اصلاحات ارضی یعنی زمینهایی که شامل اصلاحات ارضی نشده‌اند و مورد تقسیم قرار نگرفتند و این مستثنیات در اصلاحات ارضی ایران عبارت بوده‌اند از:

حدود مالکیت انعطاف زیر از طرف دولت راه را برای مالکیتها هموارتر کرد:

— مشخص نبودن میزان دانگ به عنوان واحد سطح و سنجش روستاها

— حق انتخاب برای مالکین جهت حفظ بهتر مالکیتها  
— عدم وجود فرایط سنی مشخص جهت مالکین آبی روستاها  
اجرای قوانین فوق باعث اجرای سیاست جدیدی تحت عنوان حفظ منابع آب در بسیاری از نقاط روستایی گردید. چرا که بر اساس اولویت و حق انتخاب یک روستا یا ۵۰۰ هکتار زمین و یا هر دوی اینها در نقاط مختلف طبیعتا "بیشتر منابع آب در اختیار مالکیت مالکین قدیمی باقی ماند. لذا روستاییان در بسیاری نقاط صاحب زمین شدند ولی منهای آب و چشم اندازهای زمینهای رها شده اطراف روستاها پس از اجرای اصلاحات ارضی و هجوم آنها به شهرهای خود دلایل محکمی بر این مدعا می باشد.

از طرف دیگر همان طور که در این مختصر به آن اشاره خواهد شد تبدیل زمینهای روستایی به مجتمع های مکانیزه و اجازه سفر جاهبهای ممیق توسط آنها باعث خشک شدن هزاران رشته قنات که جریان حیاتی هر روستا به حساب می آید شد.  
در تصاویر زیر نمونه ای از آنها مشاهده می شود.



نمونه مظهر قنات و مسیر آبراهه آن که به دنبال اجرای حدود مالکیتها و سیاست نادرست آب بین سالهای ۱۳۴۳ الی ۱۳۴۵ "کاملا" خشک شده، قناتی که هر کدام نغذیه کنندم چند روستا بود.

— عدم تقسیم زمینهای روستاهایی که تحت حدود مالکیت قرار گرفته و در اختیار مالکان باقی ماندند.  
— عدم تقسیم باغات و چایگاهها.  
— عدم تقسیم زمینهای مکانیزه.  
— عدم تقسیم روستاهای مستقر در حومه شهرها.  
— عدم تقسیم روستاهایی که وسعت آنها زیر ۶۰ هکتار بوده است.  
— عدم تقسیم زمینهای موقوفه روستایی.

توجه به جدول حدود مالکیت، مأخذ وزارت اصلاحات ارضی سال ۱۳۵۵.

آنچه در جدول فوق بیشتر مورد بحث می باشد و شاید درصدم قابل توجهی از اجرای این اصلاحات را تحت الشعاع خود قرار می دهد مسئله حدود مالکیت بوده است.

حدود مالکیت برای هر مالک در جریان اصلاحات ارضی گذشته:

الف — یک روستای کامل (شش دانگی که مالک می توانست به میل خود انتخاب نموده برای خود حفظ کند.

ب — پانصد هکتار زمین زراعی که مجدداً به انتخاب مالک صورت می گرفته است.

آنچه در این جریان مبهم می ماند، یکی مشخص نبودن میزان وسعت دانگ برای هر روستا است، زیرا یک ده کوچک با چند خانوار "کلا" شش دانگ و یک روستای بسیار بزرگ با جمعیت حتی نزدیک به ۵۰۰۰ نفر نیز از جهت وسعت باز نش دانگ به حساب می آید. در جریان امر دو مسئله پیش می آید اول آن که با توجه به حق انتخاب، مالک می توانست بهترین روستا را برای خود نگاهدارد و دوم اینکه در بسیاری از نقاط مالکین به کمک بعضی از مأموران دولتی توانسته بودند چند روستای نزدیک به یکدیگر را درهم ادغام نموده به عنوان یک روستا به اداره اصلاحات ارضی معرفی نمایند و به حکم قانون مستثنیات از تقسیم آن جلوگیری کرده برای خود نگاهدارند. در مورد پانصد هکتار زمین زراعی منتخب توسط مالکین هم نیز نتیجه آن "کاملا" مشخص است و طبیعتا "هیچ مالک مافلی اجازه به تقسیم زمینهای مرغوب و دارای منابع آب را ندارد خصوصاً" که میزان پانصد هکتار زمین را می توانسته در چندین روستا انتخاب کرده و آنها را از تقسیم معاف نمایند. نکته دوم در ارتباط با حدود مالکیتها: عدم وجود قوانین خاص یا وجود سن مشخص برای مالکین بوده است که طبیعتا "در این راه تعداد بسیاری از روستاها ظاهراً" به نام اقوام و خویشاوندان مالکین و حتی به نام کودکان و نوزادان ثبت گردید و طبق قانون حدود مالکیتها از تقسیم معاف گردیدند. لذا اگر بخواهیم موارد اخیر را به اختصار جمع بندی نمائیم به دنبال قانون



صورت کارگران کشاورز و مزدور و در اصل جدا کردن تولیدکننده اصلی از زمینهای زراعی خود.

به دنبال مسائل سوق البته مالکانش نیز بوده‌اند که سرمایه‌گذاری روی زمین برایشان مقرون به صرفه نبوده است و با سرمایه‌گذاری در صنعت و تجارت چندان حساسیتی در این مسئله از خود نشان ندادند که البته عمده آنها اندک بوده است.

### مستثنیات و موقوفات

زمینهای روستایی با اطراف شهری موقوفه به جهت آن که درآمد حاصل از آنها را برای مقاصد مذهبی و یا خیریه به کار می‌رود که از جمله می‌توان برای نگهداری اماکن مذهبی و اعمال عام‌المنفعه در روستاها از جمله جهت نگهداری و حفاظت از قنوات که به صورت وقف خاص و عام بوده‌اند به کار برد از تقسیم منافی بوده، ولی بامسئله تعجب است که اجرای اعمالی خاص در نحوه نگهداری و مالکیت آنها این نظام مقدس را دگرگون نموده است " یک نمونه از مسائل مربوط به زمین در مورد یکی از روستاهای موقوفه در نزدیکی شهرستان قزوین بوده است که طبق قانون فروش موقوفات مصوبه ۵۱/۲/۴ پس از سلب مالکیت و حق نسق زراعی از دهقانان به این شکل قدرتمندان و دست‌اندرکاران وقت به نام خود درآورده بودند.

شرایط مکانیزه بودن زمینهای روستایی ( در اجرای مستثنیات و عدم تقسیم املاک )

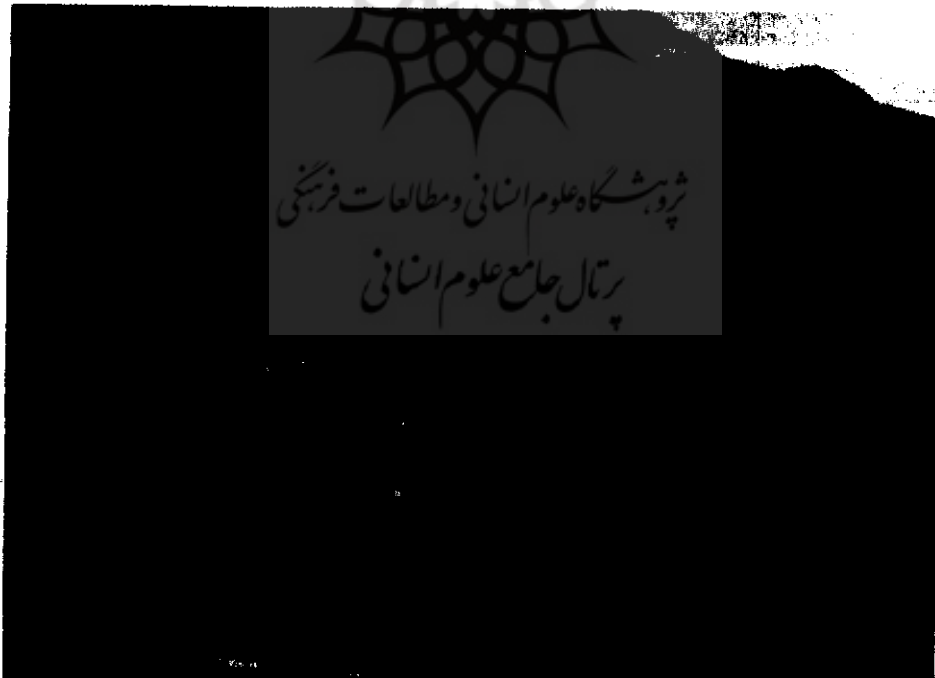
- ۱- داشتن تراکتور جهت شخم زمینها ۲۰ امتیاز
- ۲- داشتن دیسک ۲۰ امتیاز
- ۳- داشتن کمباین ۱۵ امتیاز
- ۴- داشتن سیستم مدرن آبیاری ۱۵ امتیاز
- ۵- سایر شرایط ویژه در مکانیزاسیون ۳۰ امتیاز

جمع امتیازات ۱۰۰

الف: دارا بودن ۲۰ امتیاز در رابطه با داشتن تراکتور اجباری بوده است. توجه:

ب: دارا بودن ۵۱ امتیاز در کل جهت شناخت زمینها به صورت مکانیزه کافی بوده است.

با توجه به جدول سوق و سطور مورد توجه آن تکلیف کاملاً مشخص است زیرا هر مالک با خرید فقط یک تراکتور و نیز داشتن شرایط ویژه که مفهوم آنها در تدوین این مسئله مشخص نبوده است نتوانسته است زمینهای خود را مکانیزه قلمداد کند و این مساوی بوده است با ابقاء مالکیتها و از بین رفتن حق نسق بسیاری از روستاییان مشمول این قانون و تبدیل آنها به



نمونه نابلوهایی نصب شده در ارتباط با خرید شدن زمینهای زراعی روستاهای اطراف شهرها و فروش آنها به قیمت‌های مناسب

علل و معلول آنها می‌داند، جهت دستیابی به استنتاجی منطقی دست به مقایسه‌ای ساده می‌زنیم.

آنچه مسلم است مشکل بزرگ یا اگر گفته شود یکی از مشکلات موجود در مسیر بعد از انقلاب اسلامی ایران مسئله روستاها و مالکیتها بوده است، لذا در طرح اصلاحات ارضی اسلامی نیز که در سالهای اول انقلاب به مرور تنظیم و تسلیم مجلس شورای اسلامی گردید موارد زیر مورد نظر قرار گرفت که ابتدا به اختصار تقسیم‌بندی زمین را در جمهوری اسلامی مطالعه می‌کنیم.

اراضی	۳۰۰ هکتار
اراضی مورد اختصاص و فرماندهان	۵۰۰ هکتار
دکتر	۲۰۰ هکتار
قاضی	۲۰۰ هکتار
دکتر	۲۰۰ هکتار
دو نفر دیگر	۱۰۰ هکتار

**تقسیم‌بندی زمین در جمهوری اسلامی (اولین گام)**

- زمینهای نوع الف: زمینهای موات و مراتع و جنگلها و ...
- زمینهای نوع ب: زمینهای پس گرفته شده از افرادی که مالکیت آنها بر زمینهایشان نامشروع تعیین شده است.
- زمینهای نوع ج: مالکیتهای بزرگ قانونی که صاحبان آنها به حلل مختلف از بهره‌برداری آنها خودداری می‌کنند.
- زمینهای نوع دال: بزرگ مالکیتهایی که زمینهای خود را به صورت دایر نگاه داشته و از آنها به بهره‌برداری مغبولند.

ماخذ: مسائل زمین و جنگ طبقاتی از آیت‌الله مری - ۱۳۵۶ ص ۳۰۰

در مورد زمینهای نوع الف و ب و ج و د، در صورتیکه زمینها در دست روستاییان کم و سبک باشد، مستثنیات اصلاحات ارضی در این مناطق و روستاهای ویرانی‌های موقتی لوکس جهت برودت و امنیت روستاییان مالکین قبلی آنها شده بود. این کار در جهت تقویت روستاییان محکم در تبدیل زمینهای زراعی به غیر زراعی و غیره بوده است. عدم تقسیم روستاهای حومه شهرها که به دلیل مستثنیات اصلاحات ارضی بوده‌اند باعث خرد شدن زمینها و کاهش بهره‌وری و ایجاد بورس بازی روی آنها گردید که به این بهانه بسیار روستاهایی را هم که خارج از نقاط مقرر بوده‌اند مورد عمل قرار گرفته.

**تعیین حدود مالکیت در جمهوری اسلامی (دومین گام)**

در مجموع اگر برای اجرای مستثنیات اصلاحات ارضی گذشته ایران نتایجی در نظر گرفته شود می‌توان آنان را به شکل زیر خلاصه نمود.

در اصلاحات ارضی اسلامی ایران به جهت مشخص نمودن حدود مالکیتها که عبارت بوده است از مقدار زمین تا سه برابر عرف محل، مورد استنبال کلیه طبقات انسانی و حتی دولت‌مردان، گروههای مختلف سیاسی موافق و مخالف آن روز و خصوصا "روستاییان قرار گرفت که اصلی‌ترین طبقه بهره‌مند شوند در این قانون می‌باشند. لازم به توضیح است که مقدار زمینی معادل با عرف محل (یعنی ۱/۳ حدود مالکیت) مقدار زمینی معین شده بوده است مورد کفایت یک خانواده متوسط که البته میزان آن به نسبت هر ناحیه و بهره‌دهی آنها متفاوت بوده است. لذا سه برابر عرف محل می‌توانست حدود مالکیتی منطقی و مناسبی در این سرزمین نفوذآل زده باشد و این تصور پیش می‌آمد که با اجرای حدود مالکیت اسلامی و اجرای اصلاحات ارضی به طور مسلم راه گشایی در مسیر نجات از نظام نفوذآلیت در جهان خواهیم بود.

جهت یادآوری به مقایسه حدود مالکیتها در نظام گذشته و حال می‌پردازیم.

- محدود نگه‌داری مالکیتهای بزرگ اربابی.
- به فروش رساندن زمینهای نامرغوب روستایی به روستاییان.
- گسترش باغات میوه و محصولات آنها.
- اخراج روستاییان از باغات و زمینهایی که در آنها حق ریشه و حق نسق داشتند.
- رشد بی‌رویه قیمت زمینهای روستایی حومه شهرها.
- رشد اجباری سرزمینهای مکانیزه و غیر مکانیزه و تبدیل کشاورزی تولیدکننده به کارگر کشاورزی.
- جدا شدن تولیدکننده اصلی (رعیت) از زمین در بسیاری از روستاهای مغمول.
- تصاحب غیرقانونی اراضی توسط قدرتمندان در اغلب نقاط روستایی.

**مقایسه حدود مالکیتها**

در اصلاحات ارضی نظام گذشته:

**اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی (با تکیه بر مستثنیات آن)**

حال با تکیه بر گفته پر شمر "پرستن جیمز" که جغرافیا را علمی که در صدد تفسیر و اهمیت تشابهات و اختلافات با توجه به

یک روستا کامل یا ۵۰۰ هکتار زمین به انتخاب مالک، در اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی؛

قطعه زمینی تا حدود سه برابر عرف محل که وسعت آن بستگی به شرایط محل دارد.

همان طور که اشاره شد استقبال بزرگان سیاست و مردم و روستاییان و استقبال مطبوعات و ایراد انواع خطابه‌ها و سخنرانیها باعث تشویق دولت در این مهم شد.

به دنبال مسافله مطرح شده در تدوین قوانین اصلاحات ارضی اسلامی نیز مسافله تحت عنوان مستثنیات مطرح گردید (استخراج از روزنامه رسمی کشور).

### مستثنیات پیشنهادی در اصلاحات ارضی اسلامی (گام سوم)

- ۱- مراتع و چراگاهها . . . .
- ۲- باغات و چایکاریها
- ۳- زمینهای بزرگ مکانیزه
- ۴- زمینهای موقوفه روستایی
- ۵- زمینهای کوچکتر از وسعت معادل سه برابر عرف محل

طبق تبصره‌های بند ۴ قوانین اصلاحات ارضی اسلامی موارد تقسیم زمین و چگونگی عمل آن به شکل زیر پیش‌بینی گردیده بود. در مورد زمینهای مکانیزه بزرگ که خرید کردن آنها از کیفیت بهره‌دهی آنها می‌گاهد، عمل تقسیم و واگذاری شکل اشتراکی و تعاون صورت گیرد و تقسیم محصول نیز به نسبتهایی که در اساسنامه آنها آمده است انجام شده.

در مورد زمینهای وقفی چگونگی واگذاری زمین زیر نظر هیئتهای هفت نفره و مراکز مذکور صورت گیرد که این عمل در حال اجرا بوده و آثار مندرج در مطبوعات بسیار به چاپ رسیده است. در زمینهایی که جمعا وسعت آنها از سه برابر عرف محل کمتر است، عمل تقسیم صورت نمی‌گیرد.

طبق تبصره ۵ بند ۴ قانون اصلاحات ارضی اسلامی باغات و چایکاریها و . . . نیز شامل عمل تقسیم قرار نمی‌گیرد که البته این خود مجدداً باعث تبدیل زمینهای کشاورزی با سایر زمینهای مشمول به باغات گردیده است که نمونه آنها در اکثر روستاهایی که احتمالاً مشمول هستند می‌توان مشاهده نمود.

لذا لزوم وضع قوانین خاصی در رابطه با عدم تبدیل زمینهای زراعی به باغات و نیز عدم تقسیم زمینهای کشاورزی و خرید شدن آنها وظیفه اصلی و عمده یک دولت انقلابی است.

در خاتمه با توجه به وجود مستثنیات اصلاحات ارضی اسلامی و نیز توجه در اجرای کامل آن خصوصاً در موارد بندهای (جیم و دال) رعایت نکات مندرج در نحوه برخورد با مالکیتهای بزرگ استثنای رعایت حدود مالکیت و غیره نه تنها راه غلط گذشته را نرفتایم بلکه مجری واقعی یک رسالت الهی خواهیم بود، زیرا که مستمعین وارث اصلی زمین‌اند.

با آرزوی اجرای صحیح این حکم الهی

### منابع

- ۱- مسائل کشاورزی ایران، هوشنگ ساعدلو، ۱۳۵۷.
- ۲- اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی، ترجمه احمد گریسی، ۱۳۵۶.
- ۳- جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران، دکتر مصطفی ازگیا، ۱۳۶۵.
- ۴- ساختها و اصلاحات ارضی، ترجمه فریدن، ۱۳۵۹.
- ۵- مسائل ارضی و جنگ طبقاتی، باقر موئنی، ۱۳۵۸.
- ۶- بررسی اصلاحات ارضی بین سالهای (۵۰-۱۳۴۰)، محمد سوداگر، ۱۳۵۸.
- ۷- درباره اصلاحات ارضی، به پارسا، ۱۳۵۷.
- ۸- فلسفه جغرافیا، دکتر شکویی، ۱۳۶۲.
- ۹- جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، دکتر شکویی، ۱۳۶۲.
- ۱۰- بررسی مطبوعات رسمی کشور بین سالهای ۵۵-۱۳۴۰ و نیز سالهای ۶۲-۱۳۵۸.

